

روند شکل‌یابی، توسعه و تخریب شهر قدیم بم

دکتر حسن کریمیان

استادیار دانشکده ادبیات دانشگاه تهران

(از ص ۸۱ تا ۱۰۰)

چکیده:

چگونگی شکل‌یابی شهر باستانی بم، همانند سایر شهرهای باستانی ایران، چندان روشن نیست، در این مقاله تلاش شده تا با استفاده از منابع و متون تاریخی تحریر شده توسط مورخین، جغرافی‌نویسان مسلمان و نیز سیاحان یا مأموران رسمی - که به این منطقه سفر داشته‌اند - چگونگی شکل‌یابی، توسعه و تخریب شهر بم مورد بررسی قرار گیرد. در این مقاله اثبات گردیده است که اگر چه فرم عمومی شهر تغییر یافته و دیوارهای دفاعی آن مکرراً تخریب شده‌اند، لیکن از بدو پیدایش تا سده‌های اخیر حیات در آن استمرار یافته است.

واژه‌های کلیدی: شکل‌یابی، توسعه، دگرگونی، استمرار، تخریب.

مقدمه:

بدون تردید متون تاریخی موثرترین ابزار باستان شناسان در درک صحیح تحولات یک تمدن و یا استنباط علمی روند شکل یابی و توسعه شهرها در دوران تاریخی می باشند. بدین سبب نخستین گام یک باستان شناس گردآوری تمام اطلاعاتی است که در ارتباط با موضوع مورد تحقیق اش در متون تاریخی درج گردیده اند. از طرفی دیگر از آنجائی که حوزه مورد مطالعه باستان شناس ممکن است بخشی از یک ناحیه یا تمدن مستقل باشد، او ناگزیر به مطالعه تاریخ تمدن های مرتبط در ناحیه مربوطه نیز خواهد بود. در تحقیق حاضر تلاش گردیده تا با استفاده از منابع تاریخی کلیه مطالبی که در خصوص شهر بم به رشته تحریر درآمده اند گردآوری و با رعایت تقدم و تاخر تاریخی ارائه گردند. مضافاً از آنجائیکه شهر بم پیوسته بخشی از ناحیه کرمان بوده، به ناچار تاریخ کرمان به عنوان محور بررسی تحولات تاریخی شهر مذکور مورد توجه قرار گرفته است. از آنجائیکه جهت گیری اصلی این تحقیق معرفی حوادثی است که منجر به شکل یابی، توسعه و یا تخریب شهر باستانی بم گردیده اند. فلذا در نتیجه بحث، روند شکل گیری و تغییرات فیزیکی در فرم عموم شهر، بافت محله ها، پوسته بیرونی، چگونگی خروج شهر از پوسته بیرونی (شهر بست اول) و نحوه شکل یابی شهر جدید بم و تخلیه و تخریب شهر قدیم مورد جمع بندی قرار گرفته است.

چگونگی پیدایش و شکل یابی شهر

چگونگی پیدایش شهر باستانی بم - که احتمالاً بزرگترین اثر ساخته شده از خشت خام در جهان است - مانند سایر شهرهای کهن ناحیه کرمان نامعلوم است و علیرغم فراوانی منابع تاریخی مستند و مرتبط با ناحیه کرمان، تاریخ و چگونگی ساخت آن در ابهام فرو مانده است. از میان منابع تاریخی کهن ایران، تنها به دو کتاب بر می خوریم که چگونگی پیدایش این شهر را مورد بررسی قرار داده اند. یکی از آنها کتاب ادبی - اسطوره ای شاهنامه است. فردوسی زمان ایجاد این شهر را به پادشاهان اسطوره ای

ایران می‌رساند. یکی از مهمترین اشخاص اسطوره‌ای در شاهنامه "رستم" نام دارد که بر جنوب شرقی ایران (سیستان) حکمفرمایی می‌نمود. در جنگی که بین رستم و اسفندیار (پادشاه توران) واقع می‌شود، او اسفندیار را می‌کشد. مدتها بعد بهمن (پسر اسفندیار) به خونخواهی پدر به سیستان و کرمان لشکرکشی نموده و با فرامرز (جانشین و برادرزاده رستم) جنگیده و او را شکست داده و در همان مکان جنگ بر دار می‌کشد. از آن پس نام آن محل را "دارزین" نهاده‌اند. او سپس دستور می‌دهد تا در مکان پیروزی‌اش قلعه‌ای احداث کنند که به دژ بهمن شهرت می‌یابد. (فردوسی، شاهنامه، انتشارات امیرکبیر، ص ۳۷۳-۳۷۶) آنگاه ساکنان محله‌ای نزدیک به نام کجاران (**Kajaran**) - که فردوسی آنها را مردمانی تنگدستی که از راه بافندگی زندگی می‌کردند معرفی نموده - خانه‌های جدید خود را به تدریج در اطراف قلعه احداث نموده‌اند و شهر بم را ایجاد کرده‌اند.

این نظریه اسطوره‌ای مورد توجه تعدادی از مورخین ایرانی قرار گرفته و به همین دلیل بم (**Bam**) را مخفف شده بهم (**Bahm**) یا همان بهمن (**Bahman**) دانسته‌اند. ناظرزاده کرمانی در این خصوص می‌نویسد: «... مورخان قدیم چنین پنداشته‌اند که پس از مرگ رستم، پسر اسفندیار برای کینه خواهی پدر از بازماندگان رستم، عزم تسخیر زابل - که زادگاه رستم بود - نمود و در این مسیر در منطقه بم با فرامرز پسر رستم جنگید، او را شکست داده و بر دار زد». (کرمانی ناظرزاده، مقالات پنجمین کنگره معماری و هنر ایران، انتشارات فرهنگ و هنر، ۱۳۴۷، ص ۱۹) صنیع الدوله می‌نویسد: «... بم از بناهای بهمن پسر اسفندیار است و...» (صنیع الدوله، مرآت البلدان، ص ۲۹۳). خانم اسعدپور می‌نویسد: «... بهمن پس از پیروزی، در بلندترین نقطه نزدیک به محل جنگ، قلعه‌ای بسیار محکم و استوار بنا نمود و شهری ساخت که نام آن را از مخفف اسم بهمن گرفته‌اند و آن بم است». (اسعدپور، ۱۹۹۱، الماس کویر، ص ۱۴۵)

در ارتباط با موارد فوق توجه به نکات ذیل ضروری است:

نخست آنکه، هم اکنون در نزدیکی شهر بم محله‌ای آباد به نام "دارزین" وجود دارد

و در مقابل آن هم محله‌ای دیگر است که به "دارستان" شهرت دارد. از آنجائیکه دار (Dar) چوبه‌ای است که کسی را برای کشتن به آن می‌آویزند، بسیاری از مردم این محل را مکان بردار شدن رستم توسط بهمن می‌دانند. دیگر آنکه، در فاصله اندکی از ضلع شرقی بم محله‌ای به نام "کزاران" (Kazaran) قرار دارد که سایکس (۱۹۰۲) آن را سکونتگاه قرون وسطایی مردم بم دانسته است. این محله می‌تواند همان کجاران (Kajaran) باشد که فردوسی در شرح حوادث مارالذکر از آن نام برده است. سوم آنکه، در اشعار فردوسی پیشه مردمان کجاران (کزاران) بافندگی دانسته شده و این مطلب با اطلاعات مندرج در سایر منابع تاریخی - که در آنها به معرفی اشتغال ساکنان بم پرداخته شده - مطابقت دارد.

کتاب دیگر «کارنامه اردشیر بابکان» است که به شرح فعالیت‌های اردشیر - نوه بابک مؤسس سلسله ساسانی - اختصاص دارد. در فصل هفتم این کتاب می‌خوانیم: «... اردشیر پس از اعلام مخالفت رسمی با آخرین پادشاه سلسله اشکانیان (اردوان پنجم)، به تسخیر تدریجی مناطق ایران پرداخت. او در تسخیر شهرهای ناحیه کرمان چند بار از "هپتانباد" (هفتواد) - دست نشانده اردوان پنجم بر کرمان که ارگ بم سکونت داشت - شکست خورد.» (هدایت، صادق، کارنامه اردشیر بابکان، ص ۱۸۶-۱۹۸)

در این کتاب عامل پیروزی هفتواد بر اردشیر، وجود کرمی رمزآمیز (جادویی) که هفتباد آن را در اختیار داشت، معرفی شده. پس بهتر آن بود که اردشیر با نفوذ به داخل ارگ حکومتی بم و کشتن آن حیوان به پیروزی دست یابد. از این رو اردشیر با به اجرا در آوردن تاکتیکی ویژه و هجوم همزمان سپاهیان موفق به تسخیر آن قلعه و شکست هفتواد گشت. مطالبی که در بررسی این داستان تاریخی قابل توجه به نظر می‌رسند عبارتند از:

۱- در این گزارش، نام حاکم بم "هپتانباد" و یا «هفتواد» ذکر شده. این اسم کلمه‌ای است مرکب از عدد "هفت" و پسوند "واد" به معنای درب، معبر و مرحله. این کلمه در حالت مرکب مجموعاً فضایی را با هفت ورودی و یا هفت مرحله که غیر قابل نفوذ و

تسخیرناپذیر باشد معرفی می‌نماید. شهر بم نیز در میان دیوارهای متعددی محاصره بوده که در بررسیهای باستان‌شناسی نگارنده بقایای ششمین دیوار دفاعی آن نیز شناسایی گردیده.

۲- اردشیر، یکی از اهداف خود در حمله به هفتباد را برطرف ساختن سلطه ظالمانه او بر مردم شهر کلان (کجاران) ذکر نموده. از آنجائیکه کزاران نام قصبه‌ای است در فاصله اندکی از جانب شرق بم این مطلب می‌تواند به نحو مؤثری در بررسیهای باستان‌شناسی منطقه مورد توجه قرار گیرد.

۳- هم‌اکنون در ارگ حکومتی بم فضایی وجود دارد که اصطلاحاً آن را کت کرم (**Kat Kerm**) یا اطاق نگهداری کرم افسانه‌ای می‌نامند. احتمالاً این مکان همان جایگاه نگهداری خزنده افسانه‌ای ذکر شده باشد.

۴- چنانچه محل وقوع حادثه ذکر شده در کارنامک اردشیر را ارگ بم بدانیم، بدون تردید می‌توانیم قدمت احداث ارگ اصلی (قلعه حکومتی) را تا دوران حاکمیت اشکانیان (۲۵۰ ق.م، الی ۲۲۶ م) به عقب ببریم.

بم در روزگار ساسانیان (۶۵۱-۲۲۶ م)

در عهد ساسانیان تحولات اساسی بسیاری در جامعه ایران به وقوع پیوست. تبدیل نظام ملوک الطوائفی عصر اشکانیان به نظام شاهنشاهی، اعلام و پذیرش دین واحد در کل کشور، تنظیم سازمان اداری و نظامی جدید و همچنین ایجاد نوعی نظام طبقاتی در میان مردم از عمده‌ترین این تحولات به شمار می‌آیند. (پیرنیا، حسن، ایران باستان، جلد دوم، ص ۲۸۳) به این ترتیب باید پذیرفت که ساکنان شهر بم نیز در این دوره، با پذیرش دین زرتشت، کلیه امور مربوط به زندگی در این جهان و پس از مرگ خود را براساس تعالیم این دین به اجرا در آورده باشند. دستورات دین زرتشت همچنین می‌توانست بر فرم اصلی شهر و شکل فضاها، زیستی، عمومی، مذهبی و تشریفاتی تأثیر گذاشته و تا مدتها بعد از سقوط ساسانیان نیز اثر خود را حفظ نموده باشد. به

علاوه نظام طبقاتی مورد توجه و حمایت حاکمان ساسانی نیز می‌توانست تأثیر به‌سزایی در ایجاد محله‌های مختلف با درجات ارزشی متفاوت در شهر بزم داشت باشد. گسترش شبکه‌های ارتباطی در اطراف بزم نیز عامل مؤثری در شکل‌یابی و گسترش این شهر در عصر ساسانیان بوده است. مستوفی در توصیف وضعیت راههای تجاری عصر ساسانی می‌نویسد: «... گسترش شبکه ارتباطی در این عصر باعث رونق تجارت و متعاقب آن تمرکز نسبی امور اقتصادی در این شهر بوده و از این رو گروه دیگری به نام پیشه‌وران در بزم نمودار شدند» (مستوفی، احمد، راههای عهد ساسانیان، گزارشات جغرافیایی، دانشگاه تهران، شماره ۱)

بزم در دوران اسلامی

در سال ۶۵۲ م چون خلیفه سوم (عثمان) اطلاع یافت اهالی کرمان چند سال از پرداخت جزیه خودداری نموده و مسلمانان کرمان نیز - که گروهی اندک بودند - مورد آزار و اذیت زرتشتیان قرار می‌گیرند، عبدالله بن عامر را با سپاس فراوان به فتح کرمان مأمور نمود. (ابن اثیر، الکامل، جلد دوم، ص ۲۸۰) وزیر می‌نویسد: «... بعد از ورود عبدالله به کرمان، کسی از پارسیان با او مخالفت ننمودند و جزیه چند ساله را بدادند ... تعدادی از مسلمانان بزم و نرماشیر به او شکایت نمودند که مورد آزار زرتشتیان قرار می‌گیرند. او جمع کثیری از زرتشتیان را مسلمان نمود و مسجدی که موسوم به مسجد حضرت محمد است (در بزم) بساخت و پاره‌ای از چوب درختی که مسلمین در زیر آن با پیامبر بیعت کرده بودند بر بالای ورودی آن مسجد گذاشت.» (وزیری، تاریخ کرمان، ص ۲۸۱)

وزیری همچنین به نقل از مؤلف کتاب بزم نامه می‌نویسد: «در همان زمان زالی (Zali) - که یکی از تازه مسلمانان بود - با پرداخت میزانی طلا به عبدالله عامر از او درخواست نمود تا آتشکده بزم را تخریب و به جای آن مسجد جمعه برپا سازد. او تقاضای زالی را اجابت نمود مسجدی بر روی چهار ستون بساخت.»

در «عقد العلی» می‌خوانیم: «... عبدالله عامر در بم مرد و مزارش در آنجا است» (افصل، عقد العلی، ص ۶۴).

شکست سخت خوارج (مسلمانان تندرو و متعصب) در جنگ با علی (۶۵۶م) سبب فرار آنها به دورترین نقاط قلمرو اسلامی مانند کرمان و بم گردید. عده‌ای از آنها مدت‌ها در قلعه بم ساکن شده و از آنجا به مخالفت با خلفای مسلمان و فرستادگان آن برخاستند. (اسعدپور، الماس کوبر، ص ۱۹۰)

در سال ۸۶۹م هنگامی که یعقوب لیث صفاری (موسس سلسله صفاریان - ۸۶۴ الی ۱۰۰۹م) ریگ‌زارهای دشت لوط را پشت سر گذاشت و به حوالی شهر بم رسید، اطلاع یافت که اسماعیل بن موسی، سرکرده خوارج ساکن در قلعه بم، خیال مقاومت در مقابل او را دارد و برای جنگ با او آماده گشته است. در نبردی که بین لشکریان آن دو روی داد، خوارج شکست سختی را متحمل گشتند و فرمانروایشان دستگیر شد. یعقوب، پس از تصرف شهرهای حد فاصل بم و کرمان، بم را محل استقرار خود ساخت. او پس از تجدید قوا در شهر بم، به جانب شهرهای کرمان و شیراز حرکت نمود. آنگاه عازم فتح خراسان گشت و بعد از دستگیری محمد بن طاهر (فرمانروای خراسان) او وعده‌ای از وابستگانش را به زندان شهر بم منتقل نمود. اسیران مذکور تا زمان وفات یعقوب (۸۷۹)، همچنان در بم زندانی بودند. در دوران حکمرانی صفاریان، زندان قلعه تاریخی شهر بم مدتی نیز مکان حبس علی (برادر کوچک یعقوب) بود که به دستور عمرو لیث (برادر بزرگ خود) گرفتار و زندانی شده بود. همچنین ارگ بم، مدتی نیز پناهگاه یکی از وزرای یعقوب - که در زمان حیات یعقوب فرمانروایی فارس را برعهده داشت - بوده. او پس از مرگ یعقوب بر جانشینانش طغیان کرد و در سال ۹۰۹ میلادی از فارس به کرمان فرار کرد و سپس به بم درآمد و در قلعه شهر بم متحصن شد و جان به سلامت برد. (اسعدپور، الماس کوبر، ص ۲۷۵)

در سال ۹۲۲م فردی به نام محمد بن الیاس با استفاده از هرج و مرج ولایت کرمان از خراسان بدانجا لشکر کشید و تمام آن سرزمین را تحت حکمرانی خود در آورد و

خرابیهای گذشته بم را برطرف ساخت. (افضل، عبدالعلی، ص ۶۷) اسعدپور در این خصوص می نویسد: «... زمانی که قلعه سیرجان به دست آل بویه (دیلمیان) بود، محمد بن الیاس برای خود آرایی در برابر قلعه سیرجان به تعمیر و بازسازی قلعه نظامی بم پرداخت و این نخستین تعمیر و بازسازی قلعه کهنسال بم بعد از تسلط مسلمین بر ایران بود.» (اسعدپور، الماس کوبیر، ص ۳۰۵)

حاکمیت کرمان در سال ۹۶۸ م به دستور عضدالدوله - یکی از فرمانروایان دیلمیان که بر حوزه جنوبی ایران حکمرانی می نمود - از آل الیاس گرفته و به شرف الدوله دیلمی سپرده شد. از آن پس تا سال ۱۰۳۹ م به ترتیب شاهزادگان و سرداران دیلمی ناحیه کرمان فرمانروایی نمودند. (منشی کرمانی، سبط العلوی، ص ۱۵-۱۶) از حوادث قابل توجه این دوران (۹۶۸-۱۰۹۴ م) حمله «خلف» فرمانروای سیستان به کرمان است که منجر به تسخیر قلعه بم توسط سپاهیان او و اقامت آنها در آن شهر گردید. لیکن چون «استاد سیس» حاکم وقت کرمان با سپاهی فراوان آنها را در بم مورد هجوم بی رحمانه قرار داد، ناگزیر به فرار از آنجا شدند. (میرخواند، روضة الصفا، ج ۴، ص ۱۰۹)

پس از آنکه طغرل (فرمانروای سلجوقی) نامه فتح ایران را به خلیفه (القائم) در بغداد نوشت، شروع به تقسیم مملکت نمودند. "قاورد" به ولایت کرمان انتخاب شد و طغرل به سوی عراق آمد. (راوندی، راحة الصدور، ص ۱۰۴) بیهقی معتقد است: «شکست سلطان مسعود از سلجوقیان در ۱۰۳۹ م صورت گرفته و این سال را باید شروع حاکمیت سلجوقیان بر خراسان و کرمان دانست.» (بیهقی، تاریخ بیهقی، ص ۶۲۵) به هر حال قاورد، در مدت سی و دو ساله حکمرانی اش بر کرمان، در آبادانی شهرهای این دیار کوشش فراوان نمود. (وزیری، تاریخ کرمان، ص ۳۵۰) او یکی از پسران خود (توران شاه) را به فرمانروایی شهر بم گماشت. توران شاه - که تا پایان حکمرانی قاورد و برادرش (سلطان شاه) بر کرمان (۱۰۸۵) فرمانروایی بم بود - تعمیرات قابل توجهی در دیوارهای دفاعی شهر و قلعه مرکزی آن نمود. (اسعدپور، الماس کوبیر، ص ۳۰۵)

در تاریخ سلاجقه کرمان آمده است: «... سلطان شاه نیز برادر خویش توران شاه را به

بم فرستاد. امانه به عنوان نماینده خویش، بلکه به خاطر خلاصی از فتنه‌های احتمالی او... . چون سلطان شاه مُرد بزرگان ناحیه کرمان به بم رفته و او را در ژانویه ۱۸۰۵ م به شهر برد سیر (مرکز فرمانروایی سلجوقیان کرمان) انتقال دادند.» (محمدبن ابراهیم، تاریخ سلاجقه، ص ۱۷) (محرابی، تذکره الاولیاء، ص ۲۵۲)

پس از توران شاه به ترتیب ایرانشاه (۱۰۹۴-۱۰۹۷ م)، ارسلان شاه (۱۱۰۱ الی ۱۱۴۱ م) محمد شاه (۱۱۴۱-۱۱۵۴ م) طغرلشاه (۱۱۵۶ الی ۱۱۷۰ م) - که همگی از شاهزادگان سلجوقیان کرمان بودند - حکمرانی کرمان را در دست داشتند. ذیلاً یکی از وقایع تاریخی این زمان که موجب تخریب شهر بم شده را ذکر نموده‌ایم:

«پس از آنکه ارسلانشاه به قصد نیروهای مخالف بم را ترک نمود، شایق علی - که فرمانروایی شهر بم را در غیبت شاه بر عهده داشت - اعلام استقلال نمود و... ارسلانشاه - که شهر بم را به روی خود بسته دید - با سپاهی متشکل از هزار سواره و ده هزار پیاده بم را تصرف نمود. دیوارهای آن را خراب کرد و تالب خندق قلعه آن رسید. سابق علی مقاومت بسیار کرد و بر روی هر برجی از برجهای دفاعی قلعه بم فرماندهی گمارد... و در دشت و شهر (پیرامون قلعه) مردمان بسیاری هلاک شدند و... در این میان چندین تن از ساکنان بم که با سابق علی کینه بسیار داشتند به خدمت او آمده و گفتند: از پدرانمان شنیده‌ایم که آفت شهر بم از رود اُبارق است. اگر رود را در خندق شهر جاری کنند، پس از چند روز، دیوار خراب و شهر گشوده می‌شود. پس او دستور داد تا مردم حوالی بم و نرماشیر را جمع کردند و به اتفاق از بیست فرسنگ دورتر رود را منحرف کرده در خندق انداختند و چون آب بر پای دیوارها نفوذ نمود آثار خرابی در آنها ظاهر شد و...» (محمد ابراهیم، تاریخ سلجوقیان و غز، ص ۱۰۳ / ۱۰۲)

هنگامی که اختلافات فرمانروایان سلجوقی در کرمان به اوج خود رسیده بود ملک دینار به ریاست قبیله‌ای رانده شده از خراسان با اعلام پناهندگی به تورانشاه سلجوقی و با سؤاستفاده از اختلافات شاهزادگان سلجوقی بتدریج توانست قوای خود را تجهیز نموده و در ۱۱۸۵ م بر ناحیه کرمان تسلط یابد. حامد کرمانی (افضل) - که نسخه خطی

و تاریخی عقداالعلی را برای هدیه به این فرمانروا نوشته است - در شرح اقامت او در بم می نویسد:

«... شایق علی که شهر و قلعه بم را در تصرف داشت، با ورود ملک دینار به استقبال او آمد و اعلام تبعیت نمود و خطبه نماز جمعه را بنام او خواند و سکه بنام ضرب کرد... . او، پس از پایان فصل سرما، به جانب بردسیر رفت و چون موقعیت را مناسب ندید به بم بازگشت.» (افضل، عقداالعلی، ص ۸۲) سال فوت ملک دینار ۱۱۹۵ م است (سایکس، تاریخ ایران، ج ۱، ص ۶۷) پس از او فرزندانش فرخ شاه و عجم شاه نیز مدتی بر کرمان حکمرانی نمودند.» (جرینی، تاریخ جهان آرا، ص ۳۰۴) «...عجم شاه، شهر بم را مرکز حکمرانی ولایت کرمان نمود، اما جمعی از سرهنگان سپاهش او را دستگیر نمودند و...» (محمد ابراهیم، تاریخ سلاجقه و غز، ص ۱۶۹)

چون خوارزمشاه (پادشاه ایران) اطلاع یافت که مملکت کرمان در نهایت اغتشاش است، از سال ۱۱۹۶ لغایت ۱۲۲۲ م به ترتیب جلال الوزراء طغان تکین، نصرت الدین و ملک زوزن را به فرمانروایی کرمان گماشت. اگر چه در تمام منابع تاریخی مربوط به کرمان نمونه هایی از اقدامات عمرانی ملک زوزن را برشمرده اند، لیکن در مورد شهر بم خبر به گونه دیگری است. مؤلف جغرافیای حافظ ابرو (۱۴۱۹ م) در تشریح فعالیت حاکم مذکور می نویسد: «... در آخر فوریه ۱۲۱۳ م بم را گرفت و در مدت یک هفته دیوار شهر را تخریب نمود و...». (عبدالرشید، جغرافیای حافظ ابرو، ص ۱۳۴)

پس از آنکه مغولان با حمله به ایران خوارزمشاهیان را - که پادشاهان اصلی ایران بودند - متفرق ساختند، براق حاجب، که یکی از غلامان خوارزمشاهیان بود، ناحیه کرمان را متصرف شد. او بوسیله نیرنگ، ولی نعمت خود غیاث الدین خوارزمشاه را کشت و سربریده او را برای چنگیزخان (فرمانروای مغولان) فرستاد. هم چنگیز و هم المستنصر (خلیفه عباسی) این عمل وی را تمجید نموده و فرمانروایی کرمان را به او واگذاشتند. (میرخواند، روضة الصفا، ج ۴، ص ۱۵۱) به این ترتیب او مؤسس سلسله ای از فرمانروایان کرمان گشت که به "قراختائیان" شهرت یافته اند و در واقع می توان آنها را

دست نشانندگان مغولان به حساب آورد زیرا اکثر آنها با حکم ایلخانان (پادشاهان مغولی ایران) منصوب و یا تعدادی از اعضاء خاندان ایلخانان بوده‌اند. از حوادث قابل توجه این دوران می‌توان به اتفاقات ذیل در بم اشاره نمود:

۱- در سال ۱۲۹۵م تعدادی از فرمانروایان مناطق کرمان با سوءاستفاده از غیبت محمدشاه قراختایی به همدستی حاکم سیستان شهر بم را تصرف کرده و در قلعه آن ساکن گردیدند. (ناشناخته، تاریخ سیستان، ص ۴۰۸) چون سرپیچی آنان مسلم گشت، محمد شاه، به جانب بم حرکت کرد. او توانست، در اولین حمله، شهر بیرونی بم را به تصرف در آورد و پنج هزار سوار و پیاده نیز از سیرجان به او پیوستند و قلعه را محاصره کردند. «... دو ماه طول کشید تا محاصره شدگان تسلیم شدند.» (منشی کرمانی، سمط‌العی، ص ۸۵) «... این حاکم (محمد شاه) در سن ۲۹ سالگی در بم وفات نمود.» (منشی کرمانی، سمط‌العی، ص ۹۵)

۲- در سال ۱۳۱۶ م یعنی دوران حکمرانی ناصرالدین - که پسر «فضل‌الله» صدر اعظم پادشاه ایلخانی (اولجاتیو) و نویسنده تاریخ مشهور «جامع‌التواریخ» بوده - تعدادی از مردم شهر بم اعتراض خود را نسبت به دریافت مالیات فراوان و حضور مستمر لشکریان حاکم در این شهر طی نامه‌ای به دربار اولجاتیو ارسال داشتند. پادشاه نامه را به وزیر خود فضل‌الله همدانی سپرد. او نیز با ارسال نامه‌ای پسرش را از ظلم به مردم شهر بم منع نمود. ذیلاً بخشی از آن نامه را آورده‌ایم:

«... حاملان اخبار اطلاع داده‌اند که بر اهالی و ساکنان شهر بم ظلم روا گشته و... اقدامات ذکر شده آنها را از شهر متوار ساخته و... اکنون وقت آن است که با لطف و احسان تو جماعتی که در بیابان سرگردان گشته‌اند، به خانه‌هایشان برگردند و تا سه سال از مردمان بم مالیات‌نگیری تا بتوانند خرابیها را جبران و از امنیت ایجاد شده به آبادانی و زراعت مشغول گردند...» (عقیلی، آثار الرزراء، ص ۲۷۹-۲۹۰)

با مرگ سلطان ابوسعید (پادشاه ایلخانی) در سال ۱۳۳۶م، بار دیگر بی‌نظمی سراسر ایران را فراگرفت. حاکمان نواحی مختلف ادعای استقلال نموده و به منظور

گسترش قلمرو حکمرانی خود به نواحی مجاور لشکرکشی نمودند. در این هنگام نیکروز (آخرین پادشاه قراختایی بر کرمان) و ابومحمد مظفر بر فارس حکمرانی داشتند. امیر مظفر در سال ۱۳۳۹ به ولایت کرمان تاخته و چون حاکم کرمان به هرات گریخت، به سهولت توانست آنجا را تصرف کند. به این ترتیب، او جانشینانش از ۱۳۴۰ لغایت ۱۳۹۳ م فرمانروایی کرمان را در دست گرفتند. معین الدین میبیدی، مورخی که در آن زمان می زیست، حوادث این دوران را در کتابی با عنوان «مواهب الهی» جمع آوری نموده و در تشریح اقدامات امیر مذکور می نویسد:

«... چون امیر مبارزالدین محمد مظفر شهرهای کرمان را به کنترل خود درآورد، به فکر تسخیر شهر بم افتاد. در این هنگام امیر شجاع الدین بمی - که با موافقت پادشاهان مغول بر بم تسلط یافته بود - بر آنجا حکمرانی می کرد. او خرابیهای دیوارها، بناهای دولتی و بناهای عمومی شهر را تعمیر کرده و با تهیه امکانات لازم خود را برای دفاع از شهر مهیا ساخته بود و... در سال ۱۳۴۱ م، امیر مظفر با لشکری عظیم عازم فتح بم گردید و در روستای سرابستان - که سه هزار قدم با بم فاصله دارد - خیمه نظامی برپا کرد و... هر روز سپاهیان از قلعه بم بر سپاه امیر حمله برده و جنگ می نمودند. مدتی به این روال گذشت. او ادامه محاصره بم را به یکی از سرداران خود سپرد و در بهار همان سال با سپاهی کمکی به منظور تسخیر بم بازگشت. حاکم بم چون شکست خود را قطعی دید به نیرنگ از او مهلت خواست تا خود را به حضور امیر (در شهر کرمان) معرفی کند. و... چون حيله او آشکار گشت، تصمیم امیر در تصرف شهر بم قطعی شد. لذا در مرحله جدید محاصره را تنگ تر ساخت. آبهای جاری منطقه را به هم اتصال داده بر پای حصار شهر جاری ساخت. حصار بیرونی شهر خراب شد و او به سهولت شهر را تصرف نمود. چون تسخیر قلعه بم ممکن نشد، محاصره حاکم بم ادامه یافت تا او تسلیم شد و... مدت این محاصره از آغاز تا پایان تقریباً ۴ سال بود». (معین الدین، میبیدی، مواهب الهی، ص ۱۳۲)

او همچنین در شرح وقایع سال ۱۳۵۲ م ناحیه کرمان می نویسد: «... امیر (محمد

مظفر) به منظور خوشگذرانی و بررسی اوضاع شهر بم به آنجا رفت و مدتی اقامت نمود. سید شمس الدین علی (عارف مشهور بم) - که جدّ نویسنده کتاب "بم نامه" است - یک تار موی حضرت محمد (ص) را به او هدیه داد. امیر تشکر فراوان نمود و بعدها مقداری املاک را وقف خانقاه او نمود و...» (معین الدین میدی، مراهب الهی، ص ۲۳۳)

در سال ۱۳۵۸ م شاه شجاع، پسر بزرگ امیر مذکور، پدر را در خانه‌اش دستگیر و... فرمان داد تا او را به زندان قلعه بم ببرند و در آنجا زندان بود تا در سال ۱۳۶۴ در همانجا مرد.» (کتبی، تاریخ آل مظفر، ص ۶۲) "کتبی" در کتاب "تاریخ آل مظفر" پس از تشریح حوادث کرمان در دوران این حاکم وصیت نامه او را به سلطان احمد (پسر و جانشین) درج نموده است. بخشی از این نامه در خصوص شهر بم است که ذیلاً می‌آید:

«... رعایای ولایت کرمان فقیر و مظلومند. با ایشان همانند پدرانمان به عدالت رفتار کن ... دیگر آنکه منطقه بم خراب است (آبادش کن) زیرا اگر از شهرهای بردسیر، سیرجان و بم آن دو شهر خراب باشند و بم آباد، آن دو شهر نیز (بواسطه آبادانی بم) آباد می‌شوند. لیکن اگر آن دو شهر آباد باشند و بم خراب، (بواسطه آبادانی آنها) نمی‌توان بم را آباد نمود...» (کتبی، تاریخ آل مظفر، ص ۱۰۴)

از حوادث مهم دوران تیموریان در بم آن است که، چون شاهرخ شاه برادرزاده خود (ابابکر) را در ۱۴۰۸ م عازم ولایت کرمان نمود، والی وقت کرمان (سلطان اویس) به مقابله با او برخاست، اما «... ابابکر توانست با تطمیع و تبانی حاکم شهر بم، آنجا را تسخیر و به منظور تقویت سیستم دفاعی این شهر پل، دیوارها و خندق آن را در مدت ۱۸ روز با بکارگیری اجباری مردم تعمیر نماید». (خواند میر، حبیب السیر، ج ۳، ص ۵۷۲) به هر حال، «... بین او (به عنوان حاکم بم) و والی کرمان در شهر بم جنگی در گرفت. لشکریان (اویس) پس از شکست سپاه ابابکر و کشتن او، به بهانه همکاری مردم شهر بم با او، بسیاری از مردم را کشتند و خرابی بسیاری روی آوردند». (عبدالرشید، جغرافیای حافظ ابرو، ص ۱۶۴) در سال ۱۴۱۶ م، شاهرخ (پادشاه ایران) عازم کرمان گردید. او اگر چه در صدد قتل سلطان اویس - که برادرزاده او (ابابکر) را کشته بود - برآمده، لیکن

بواسطه آنکه سید شمس الدین (عارف مشهور بم) برای او تقاضای عفو نمود، شاه او را بخشید و تنها به زندانی شدن او قانع گشت و آنگاه؛

«... چون حصار شهر بم خراب شده بود، حسب الامر شاهرخ تیموری حصار محکم برگرد این شهر کشیدند و بعضی محلات خارج شهر قدیمی را به درون حصار آورده و جزو شهر کردند. دروازه سمت غربی شهر را که اکنون به "دروازه سلطانی" مشهور است را نیز به حکم آن سلطان ساختند». (وزیری، تاریخ کرمان، ص ۵۷۲)

با تاجگذاری شاه اسماعیل (مؤسس سلسله صفویه) در سال ۱۵۱۰م و اعلام رسمیت شیعه به عنوان مذهب رسمی کشور، تلاش مستمر ایرانیان در بدست آوردن کشوری کاملاً مستقل از سلطه خلفای اسلامی به نتیجه نهایی خود رسید. (فلسفی، تاریخ زندگانی شاه عباس اول، جلد ۱) از این زمان تا سال ۱۷۱۲ فرمانروایان ناحیه کرمان مستقیماً توسط پادشاهان صفوی انتخاب گردیدند. و در نتیجه امنیت کشور شهرهایی مانند بم از قید دیوارهای دفاعی چندگانه رهایی یافته و تنها دیوار ارگ تقویت و نگهداری می‌گردید تا مردم بتوانند، در شرایط بحرانی، اموال ارزشمند خود را به آنجا انتقال دهند.

با تضعیف دولت صفویه، در سال ۱۷۰۰م فردی به نام محمود افغان به جانب سیستان و کرمان لشکر کشیده و در سال ۱۷۲۰ در مسیر خود به حوالی شهر بم رسید. (مرعشی، مجمع التواریخ، ص ۲۵) وزیر می‌نویسد:

«... (محمود) چند بار فرستاده‌ای نزد فرمانروای شهر بم فرستاد تا او را به وعده‌های فراوان فریب داده و به این ترتیب قلعه را تسخیر نماید. اما چون به هدف خود نرسید محله‌های اطراف قلعه مانند سراستان و مهد آب و عیش آباد را غارت نمودند و چون اغلب ساکنان محله‌های مذکور اموال و اشیاء نفیس خود را قبلاً به داخل قلعه بم منتقل نموده بودند چیزی جز غله و حیوانات بدست آنان نیافتاد.» (وزیری، تاریخ کرمان، ص ۶۴۴)

آقا محمد خان (مؤسس سلسله قاجار) به خوبی دریافته بود که بهترین راه مقابله با

هجوم افغانها و بلوچها به کرمان، استفاده از ارگ بم به عنوان مرکز نظامی است. (مرسوی، تاریخ گیتی گشا، ص ۳۸۸) از این جهت در مورد تعمیر آن دستوراتی صادر کرد. از این زمان تا ظهور سلطنت پهلوی تعداد ۳۷ نفر با انتخاب مستقیم پادشاهان قاجار بر کرمان حکمرانی نمودند. از میان وقایع متعدد تاریخی این دوران تعدادی را - که به شهر بم مرتبط و دارای اهمیت بیشتری می‌باشند - انتخاب و به اختصار در ادامه آورده‌ایم:

در مدت حکمرانی ظهیرالدوله بر کرمان (۱۷۷۹-۱۸۲۴م) محمد خان افغانی متابعت او را نپذیرفت و در شهرهای بم و نرماشیر ادعای استقلال نمود. سپاه قاجار برای سرکوب او در ۱۸۰۵م بم را محاصره او را شکست داد. (لسان الملک، ناسخ التواریخ، ص ۷۰) پس از آن «... بنا به دستور ظهیرالدوله ارگ بم را تعمیر و بازسازی کردند. دیوار و برجهای دفاعی آن را کاملاً محکم ساختند و به عنوان مرکز مهمات و نیروهای نظامی دولت به منظور مقاومت در برابر حملات یاغیان بلوچستان مورد استفاده قرار دادند.» (اسعدپور، کیمیای ناسوت، ص ۱۸۴)

استقرار بیش از حد نظامیان در قلعه بم، مردم ساکن آنجا را به فکر تهیه خانه مسکونی در بخشهای بیرونی و احداث شهر جدید انداخت. بنابراین ثروتمندان و مالکین به تدریج در خانه‌های جدیدشان - که خارج از قلعه ساخته بودند - اقامت نمودند. (اسعدپور، کیمیای ناسوت، ص ۱۸۴) در سال ۱۸۳۹م آقاخان محلاتی - که یکی از پیشویان بزرگ فرقه اسماعیلیه در قرون معاصر به شمار می‌رفته و مریدانی در هند و پاکستان داشته - پس از پذیرش حکمرانی کرمان، اعلام استقلال نمود. شاه قاجار برای سرکوب او سپاهی مامور نمود. سپاه اعزامی پایخت، او را که در قلعه بم پناه گرفته بود محاصره و با تهاجم بی امان بوسیله توپ وادار به تسلیم نمودند. (همت... کرمانی، تاریخ کرمان، ص ۳۶۵) فرمانده نظامیان دولتی، پس از دستگیری آقاخان، افراد خود را مجاز نمود تا اموال قلعه‌نشینان بم را - که متهم به حمایت از آقاخان بودند - به یغما ببرند. (بهزادی، کیمیای ناسوت، ص ۱۸۹) پس از این حادثه، تنها حاکم و نظامیان تحت امرش

در ارگ بم سکونت داشتند و سایر مردم در شهر جدید مستقر شده بودند. فیروزمیرزا، که در ۱۸۸۰م فرمانروایی کرمان را بر عهده داشت، پس از بازدید از شهر بم در سفرنامه خود وضع آنجا را اینگونه تشریح می‌نماید:

«... ارگ و شهر قدیم بم را نیز بازدید نمودم، در ارگ نظامیان استقرار دارند و شهر بم که در پای ارگ حکومتی واقع گردیده به کلی خراب می‌باشد و یک خانوار هم ساکن آن نمی‌باشد. از محاصره چهل سال قبل - که آقاخان یاغی شده بود و من به فرماندهی سپاه یکسال این ارگ اعظیم را در محاصره داشتم - و آن درگیریها به بعد این شهر کاملاً از سکنه خالی شده است.»

در سال ۱۸۹۳م رضا شاه پهلوی پس از بازدید از بم دستور خروج نظامیان مستقر در شهر قدیم بم را صادر نمود. تخلیه نظامیان از ارگ حکومتی بم موجب گردید تا افراد سودجو بتوانند به راحتی آثار باستانی منقول و اجزاء ارزشمند و قابل انتقال بناهای این شهر کهن را سرقت نمایند. روند رو به افزایش تخریب بناها و سرقت اجزاء آنها و همچنین سایر اشیاء باستانی ارزشمند شهر قدیم بم سبب گردید تا وزارت داخله (وزارت کشور) در سال ۱۸۹۵ طی ارسال نامه‌ای به وزارت مالیه درخواست نماید تا ارگ بم به منظور حفاظت از آثار و اشیاء موجود در آنها و همچنین انجام تعمیرات باقی مانده در اختیار شهرداری بم قرار گیرد. اسناد مربوط به مکاتبات ذکر شده، طی شماره ۲۴۰۰۰۵۰۵۷-۴۱۶ در سازمان اسناد ملی ایران نگهداری می‌شود. در سال ۱۹۷۲ سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران تعمیرات تدریجی قلعه باستانی بم را در دستور کار خود قرار داد، لیکن به دلیل اندک بودن اعتبارات مالی مرمت، تنها تعمیرات مختصری در ارگ حکومتی انجام می‌گردید. پس پیروزی انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۸م) انجام امور مرمتی ارگ دچار وقفه‌ای هفت ساله گردید و پس از آن با صرف اعتباری محدود تنها تعدادی بنای مذهبی، تشریفاتی و عام المنفعه در محدوده شهر قدیم بم مرمت گردیده. (طیاری، گزارش عملکرد پروژه بم، ص ۱۱-۵)

متأسفانه این اثر تاریخی منحصر به فرد در بامداد جمعه پنجم دی ماه ۱۳۸۲ برابر

با بیست و ششم این دسامبر ۲۰۰۳ میلادی در اثر زلزله‌ای که قدرت آن معادل ۶/۳ ریشتر ثبت گردید ویران شد و تلاش مشترک ایران و یونسکو برای بازسازی آن آغاز گردیده است.

نتیجه:

گسترش شبکه ارتباطات شهرها و رونق بسیار چشمگیر تجارت در عهد ساسانیان سبب تمرکز ثروت، رشد جمعیت و در نتیجه گسترش و رشد شهر بم شد. فلذا به منظور حفاظت از ساکنان شهر و سرمایه‌های انباشته شده آنان، دیوار دفاعی محکمی برگرد آن احداث گردید. اگرچه دیوار دفاعی ذکر شده امنیت نسبی صاحبان صنایع، تجار و پیشه‌وران را فراهم می‌نمود، لیکن کشاورزان و باغداران ناگزیر به اقامت در اراضی قابل کشت خارج از قلعه عمومی شهر بوده‌اند. پس بهتر آن بود تا در جهت حفاظت از این گروه و تولیداتشان دیوار دیگری بر پیرامون محدوده‌ای وسیع حومه‌ای احداث گردد. به این ترتیب آنگونه که از منابع مندرج در این مقاله استفاده می‌گردد، شهر بم در پایان عصر ساسانیان دارای سه بخش قلعه حکومتی، قلعه عمومی و بخش حومه‌ای بود.

علاوه بر تحولات ذکر شده، در دوران اسلامی نیز تغییرات فیزیکی دیگری در سیستمهای دفاعی، فضاهای دسترسی و فضاهای زیستی، مذهبی، عام‌المنفعه و تشریفاتی این شهر ایجاد گردیده. اگرچه به علت کاهش فعالیت‌های تجاری ناشی از سقوط ساسانیان و همچنین به دلیل فاصله زیاد شهر بم از مرکز فرمانروایی اسلام (کوفه و دمشق) و آشفتگی اوضاع کشورهای حوزه شرقی خلافت اسلامی، این شهر اهمیت گذشته خود را از دست داده و فرمانروایان بم به هیچ وجه قادر به تعمیر خرابیهای وارده بر دیوارهای دفاعی و بخشهای عمومی شهر نبودند.

امنیت بی نظیر ایران در دو قرن حاکمیت صفویان، نیاز به تأسیسات دفاعی بخش حومه را کاهش داد و با گسترش شهر به جانب جنوب و محدوده‌های خارج از اولین

دیوار دفاعی، این دیوار عملاً بلااستفاده گردید و بخشهایی از آن تاکنون باقی مانده است.

اگر چه محمود افغان (به سال ۱۷۲۰م) با هجوم به محدوده‌های بی دفاع از شهر خسارات فراوانی بر بناهای مسکونی حومه آن وارد آورد، لیکن ساکنان بم هرگز به پشت دیوارهای دفاعی شهر بازنگشتند. در عین حال، آقا محمدخان قاجار (۱۸۳۷-۱۷۹۴م) چون شهر بم را پایگاه مناسبی در مقابله با هجوم افغانها و بلوچها می دانست، دستور مرمت دومین دیوار دفاعی شهر را صادر نمود. تبدیل تدریج قلعه‌های حکومتی و عمومی شهر بم به پایگاه نظامی جنوب شرقی ایران موجب سلب اسایش عمومی، ترک تدریجی شهر قدیم و استقرار در شهر جدید بم گردید؛ فلذا بخشهای مسکونی این شهر با گذشت زمانی کوتاه چهره‌ای مخروبه به خود گرفتند و به صورتی درآمدند که فرمانروای کرمان (فیروز میرزا) در ۱۸۸۰م نوشت: «... اگر دولت بخواهد خانه‌ای را مسطح و شهر قدیم را به باغ تبدیل نماید بسیار خوب و باصفا می شود.» (فرمانفرما، فیروز میرزا، صص ۱۹-۱۵).

منابع:

- ۱- ابن الاثیر، الکامل، ترجمه از متن عربی بوسیله خلیلی و دکتر ناصری، انتشارات مطبوعات علمی، تهران، جلد دوم، ص ۲۸۰.
- ۲- ابن ابراهیم - محمد، تاریخ سلاجقه و غز در کرمان، با تصحیح دکتر باستانی پاریزی انتشارات کتابفروشی طهوری، تهران، ص ۱۵-۲۳ و ۵۹-۱۰۱.
- ۳- ابن حوقل، صورة الارض، ترجمه دکتر جعفر شعار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۹، صفحات ۷۲-۸۰.
- ۴- ابن خلدون - عبدالرحمن، مقدمه‌ای بر تاریخ جهان، ترجمه از متن عربی بوسیله گنابادی، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، جلد دوم، ص ۱۳۶ و ۳۵۱.
- ۵- احمد کرمانی - شیخ یحیی، فرماندهان کرمان، به تصحیح استاد باستانی پاریزی، چاپ نشر علمی، تهران، ۱۳۷۱، ص ۲۵-۵۳ و ۶۲-۶۸ و ۱۱۶-۱۱۸ و ۱۵۲-۱۵۶.
- ۶- اسعدپور - زهرا، الماس کویر، انتشارات پایا، کرج، ۱۳۷۰.
- ۷- اسعدپور - بهزادی، کیمیای ناسوت، مؤلف، تهران، ۱۳۷۲، صفحات ۲۷-۵۹ و ۱۰۲ و ۱۱۰ و ۱۸۲-۱۸۴.
- ۸- استرآبادی - مهدی، تاریخ جهانگشای نادری، با تصحیح دکتر جعفر شعار، انتشارات انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۴۱، ص ۱۶۸ و ۳۰۶.
- ۹- اعتماد السلطنه - محمد حسن خان، تاریخ منتظم ناصری، تصحیح بوسیله دکتر رضوانی، انتشارات دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۳، ج دوم.

- ۱۰- افشارپور، حیدر، شناسایی و معرفی آثار و ابنیه دوران اسلامی بم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- ۱۱- باستانی پاریزی - محمد ابراهیم، راهنمای آثار تاریخی کرمان در «مجله فرهنگ استان هشتم»، انتشارات استانداری کرمان، کرمان، ۱۳۴۶، صص ۲۶ الی ۴۳.
- ۱۲- باستانی پاریزی - محمد ابراهیم، نکاتی پیرامون سابقه تاریخی و سیمای توریستی شهر قدیم و ارگ بم، انتشارات مرکز کرمانشناسی، صص ۱۱۵-۱۲۵.
- ۱۳- بیهقی، تاریخ بیهقی، تصحیح از نسخه خطی بوسیله دکتر سعید نفیسی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۱۷، صص ۴۱۷.
- ۱۴- پاتینجر - هنری، مسافرت سند و بلوچستان، ترجمه دکتر شاهپور گودرزی نژاد، انتشارات کتابفروشی دهخدا، تهران، ۱۳۴۸، صص ۲۲۰ الی ۲۲۵.
- ۱۵- پیرنیا - حسن، ایران باستان، انتشارات مجلس، تهران، ۱۳۱۳، جلد دوم، صص ۲۶۸.
- ۱۶- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد، اشکان العالم، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، با مقدمه فیروز منصوری، شرکت به نشر، تهران، ۱۳۶۸، صص ۱۲۹-۱۳۲.
- ۱۷- خواند میر - حبیب السیر، با تصحیح دکتر دبیر سیاقی، انتشارات خیام، ج دوم، تهران، ۱۳۳۳، صص ۱۸۸-۱۹۸.
- ۱۸- راوندی - محمد بن علی بن سلیمان (۵۵۹ هجری)، راحة الصدور در تاریخ آل سلجوق، به تصحیح محمد اقبال و استاد مجتبی مینوی، انتشارات موسسه مطبوعاتی امیرکبیر، تهران، ۱۳۳۳، صص ۲۸ و ۷۴ و ۱۰۴.
- ۱۹- سایکس - ژنرال سرپرسی، تاریخ ایران، ترجمه سید محمد تقی گیلانی، انتشارات کتابفروشی زوار، تهران، ۱۳۳۵، صص ۷۷۱-۷۷۴.
- ۲۰- سایکس - ژنرال سرپرسی، ده هزار مایل در خاک فارس یا ۸ سال در ایران، ترجمه حسین سعادت نوری، انتشارات کتابخانه ابن سینا، تهران، ۱۳۳۶، صص ۸۶ - ۸۹ و ۱۱۰-۱۱۴.
- ۲۱- صنیع الدوله، مرآت البلدان، چاپخانه... تهران، صص ۲۹۳.
- ۲۲- طبری - محمد جریر، تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری)، ترجمه از متن عربی به وسیله پاینده، انتشارات بنگاه فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۲، جلد ۵، صص ۱۷۳.
- ۲۳- طیبی، حسین، گزارش عملکرد پروژه ارگ بم از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۴، در مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد پنجم، تهران، ۱۳۷۶، صفحات ۵-۱۱.
- ۲۴- عبدالرشید (متوفی ۷۹۸ هجری) زبدة التواریخ، تصحیح بوسیله دکتر بیانی، انتشارات شرکت علمی، تهران، صص ۱۶۴.
- ۲۵- عبدالرشید، جغرافیای حافظ ابرو، نسخه کتابخانه ملک، صص ۱۳۴.
- ۲۶- عقیلی - حاجی بن نظام، آثارالوزراء، تصحیح بوسیله میر جلال الدین اورموی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۷، صص ۲۷۹-۲۹۰.
- ۲۷- غفاری قزوینی، تاریخ جهان آراء، تصحیح از نسخه خطی بوسیله نراقی، انتشارات موسسه حافظ، تهران، ۱۳۴۲، صص ۲۲۲ و ۳۰۴.
- ۲۸- غنچه، مهناز، ارگ بم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستانشناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- ۲۹- فردوسی - ابوالقاسم، شاهنامه، اولین چاپ از نسخه خطی مربوط به ادیب الملک، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۱، صص ۳۷۳-۳۷۶.
- ۳۰- فرمانفرما - فیروز میرزا، سفرنامه کرمان و بلوچستان، تصحیح و یادداشتها بوسیله مافی، انتشارات بنگاه کتب فارسی، تهران - ۱۳۴۲، صص ۱۵-۱۹.
- ۳۱- فلسفی - نصرالله، تاریخ زندگانی شاه عباس اول، انتشارات دانشگاه تهران - ۱۳۴۴، جلد دوم، صص ۳۷۹.
- ۳۲- قزوینی - یحیی، لب التواریخ، تصحیح بوسیله شوشتری، چاپ بنگاه و گویا، تهران، ۱۳۶۳.
- ۳۳- کتبی، تاریخ آل مظفر، تصحیح از نسخه خطی اصلی بوسیله عبدالحسین نوایی، انتشارات کتابخانه ابن سینا، تهران، ۱۳۳۵، صص ۷۰.

- ۳۴- کریمیان، حسن، شهر قدیم بم از نگاه جغرافیدانان اسلامی و ماموران رسمی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۱۵۴-۱۵۵، دوره ۴۲-۴۱، ۱۳۷۹، صفحات ۲۸۳-۲۶۵.
- ۳۵- کرمانی - افضل الدین ابو حامد، بدایع الزمان فی وقایع کرمان (تاریخ افضل)، فراهم شده بوسیله دکتر مهدی بیانی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۲۶.
- ۳۶- کرمانی - افضل الدین ابو حامد، عقد العلی للموقف العلی، ادبیت از نسخه اصلی بوسیله نائینی، مطبوعه مجلس، تهران، ۱۳۱۱، ص ۶۴-۷۲.
- ۳۷- کرمانی - همت، تاریخ مفصل کرمان، انتشارات ملک اشتر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۰، ص ۲۲۷ و ۳۶۵.
- ۳۸- کرمانی، «کرمان»، در مجموعه مقالات پانزدهمین نشیبت کنگره معماری و هنر ایران، انتشارات مرکز فرهنگ و هنر ایران، تهران، ۱۳۵۷، ص ۴۰-۴۸.
- ۳۹- گور - ژان. (۱۹۸۴م)، خواجه تاجدار، ترجمه ذبیح الله منصورهی، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۳، ص ۲۳۳.
- ۴۰- لسان الملک سپهر - محمد تقی، ناسخ التواریخ، دوره کامل تاریخ قاجار، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۳۷، ص ۷۰.
- ۴۱- محرابی، تذکرة الاولیاء، با تصحیح آقای هاشمی، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۳۰، ص ۲۵۲.
- ۴۲- مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، «سرزمین کرمان»، ترجمه و تصحیح از نسخه خطی بوسیله دکتر منزوی، انتشارات شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران، ۱۳۶۱، ص ۶۸۱-۶۹۹.
- ۴۳- مرعشی صفوی - میرزا خلیل، مجمع التواریخ، گزارش حوادث ایران از هجوم افغانها تا ۱۲۰۷، ادبیت بوسیله دکتر عباس اقبال، انتشارات مشترک کتابخانه‌های سنایی و طهوری، تهران ۱۳۶۲، ص ۲۵.
- ۴۴- مستوفی - احمد، «راههای عصر ساسانیان»، در گزارشهای جغرافیایی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۲، شماره ۱، ص ۸۴.
- ۴۵- مستوفی قزوینی - حمدالله (متوفی ۷۳۰ هجری)، تاریخ گزیده، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۴، ص ۹۵-۹۴ و ۱۰۳.
- ۴۶- موسوی، تاریخ گیتی گشا (تاریخ سلسله زند)، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۳، ص ۳۸۸.
- ۴۷- میبیدی، مواهب الهی، با تصحیح دکتر نفیسی، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۲۶، ص ۱۱۳.
- ۴۸- میرخواند، روضة الصفا، با تصحیح و یادداشتهای هدایت، انتشارات موسسه پیروز، تهران ۱۳۳۳، جلد چهارم، ص ۹-۱۱.
- ۴۹- محققین ایرانی، مجموعه مقالات کرمانشناسی، انتشارات مرکز کرمانشناسی، کرمان، ۱۳۷۰، ص ۱۱۵-۱۲۵.
- ۵۰- ناشناخته، تاریخ سیستان، تصحیح از متن اصلی بوسیله ملک الشعرا بهار، انتشارات موسسه خاور، تهران، ۱۳۱۲، ص ۴۰۸.
- ۵۱- واتسون - رابرت گرانت، تاریخ ایران از آغاز قرن نوزده تا ۱۸۵۸، ترجمه وحید مازندرانی، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۴۰، ص ۷۲-۸۰.
- ۵۲- وزیری - احمد علی خان، تاریخ کرمان، با تصحیح دکتر باستانی پاریزی، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۷۰، ص ۱۱۲-۱۱۴، و ۳۶۲-۳۵۳.
- ۵۳- هدایت - صادق، کارنامه اردشیر بابکان، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۴۲، ص ۱۸۶-۱۹۸.
- ۵۴- همدانی - فضل الله (متوفی ۷۰۴ هجری)، جامع التواریخ، با تصحیح دکتر بهمن کریمی، انتشارات شرکت حاج محمد حسین اقبال، تهران، ۱۳۳۱، جلد اول.
- ۵۵- یزدی، ظفرنامه، جزئیاتی از تاریخ ایران در عصر تیموری، تصحیح و نشر بوسیله انتشارات نگین، تهران، ۱۳۳۶.